

Comparative-historical study on how Iranians face emerging technologies in contemporary history and its impact on the country's policy system (Case studies: Qajar and Pahlavi)

Mohammad Reza Atarodi*
Hossein Zibandeh**


Received: 2020/04/07
Accepted: 2020/09/04

The emergence of new technologies has presented the technological revolutions to humanity. Wise policymaking to maximize the use of opportunities and minimize the threats posed by such technologies in the country, requires attention to the environment and the study of social conditions. The study of how Iranians face historical challenges with emerging technologies is an issue that helps to better explain the contextual conditions prevailing in society and has important lessons for policy making in this area. Using the comparative-historical approach and focusing on the teaching methods of policy, as well as the use of library and documentary resources, this study seeks to find out how Iranians face new technologies during the Pahlavi and Qajar eras. For this purpose, the economic, political and cultural conditions of the Qajar and Pahlavi eras have been explained by historical studies. While studying how governments, intellectual currents and religious currents face the emergence of new technologies in these conditions, elements have been extracted that have existed jointly during this period and also have implications for the country's current policy. Finally, by presenting a kind of classification, the elements are classified into three categories: governance policies, community contexts, and key actors, which outline the overall conditions of the country's emerging technology policy system and provide a more comprehensive view of policymakers.

Keywords: Iran, New technology, Modernity, Pahlavi, Policy making, Qajar.


* Assistant Professor of Management ,Imam Sadig University, Tehran, I.R.Iran.

ratarodi@gmail.com

 0000-0001-8411-4010

** M.S in Management, Imam Sadig University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

hzigbandeh73@gmail.com

 0000-0002-3690-7566

دوفصلنامه علمی دانش سیاسی، سال هفدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۴)، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص. ۴۳۳-۴۶۴

تحلیل تطبیقی - تاریخی چگونگی مواجهه ایرانیان با فناوری‌های نوظهور در تاریخ معاصر و تأثیر آن بر نظام خط‌مشی‌گذاری کشور (موردهای مطالعه: قاجاریه و پهلوی)

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۴

مقاله برای بازنگری به مدت ۲۶ روز نزد نویسندگان بوده است.

محمدرضا عطاردی *

حسین زبینه **

چکیده

سیاست‌گذاری خردمندانه برای استفاده حداکثری از فرصت‌ها و به حداقل رساندن تهدیدهای حاصل از فناوری‌های نوین در کشور، نیازمند توجه به شرایط محیطی به عنوان بستر اساسی برای توسعه و فراگیری این رخدادهای است. مطالعه چگونگی مواجهه تاریخی ایرانیان (حاکمیت، عامه مردم و جریان‌های اثرگذار) با فناوری‌های نوظهور مسئله‌ای است که به تبیین هر چه بهتر شرایط زمینه‌ای حاکم بر جامعه کمک نموده و درس‌آموزی‌های مغتنمی برای سیاست‌گذاری این حوزه دارد. این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد تطبیقی - تاریخی و تمرکز بر روش‌های درس‌آموزی از خط‌مشی و همچنین استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، به دنبال آن است که چگونگی مواجهه ایرانیان با فناوری‌های جدید در دوران پهلوی و قاجار را تحلیل نماید. برای این منظور در انتهای پژوهش یافته‌های محققان در قالب سه دسته خط‌مشی‌های حاکمیت، شرایط زمینه‌ای جامعه و وضعیت بازیگران کلیدی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: پهلوی، ایران، تجدد، خط‌مشی‌گذاری، فناوری‌های نوین، قاجاریه.

* استادیار مدیریت دولتی و سیاست‌گذاری عمومی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

ratarodi@gmail.com

0000-0001-8411-4010

** دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گرایش خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام و

پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

hzibandeh73@gmail.com

0000-0002-3690-7566

مقدمه

بیان مسئله: مواجهه ایرانیان با فناوری‌های نوظهور به دلیل اهمیت و تکرار آن در تاریخ تحول ایران، از سوی تحلیل‌گران مورد توجه بسیار بوده است. بررسی تاریخی دوران معاصر برای درس‌آموزی نظام سیاست‌گذاری کشور از چگونگی مواجهه ایرانیان با ورود فناوری‌های جدید و یافتن دلالت‌هایی برای تصمیم‌گیری جامع‌تر در شرایط فعلی، مسئله‌ای است که در این پژوهش به آن پرداخته خواهد شد.

اهمیت: روند شتابان ظهور فناوری‌های نوین در جهان و ایران، وجود نظام سیاست‌گذاری خردمندانه‌ای را می‌طلبد که در عین تلاش برای حداقل ساختن تهدیدها، موانع پیشروی استفاده صحیح و هدفمند از فرصت‌های آن را نیز شناخته و از میان بردارد. با توجه به نقش برجسته عوامل زمینه‌ای در تحقق یا عدم تحقق خط‌مشی‌ها، بررسی چگونگی مواجهه تاریخی ایرانیان و درس‌آموزی از چالش‌های آن دارای اهمیت راهبردی برای نظام سیاست‌گذاری کشور است.

ضرورت: کم‌توجهی به تجارب تاریخی منجر به تکرار سیاست‌های اشتباه و افزایش هزینه‌ها می‌گردد. به همین دلیل پژوهش حاضر افزون بر ضرورت نظری، از آن حیث که می‌تواند در خط‌مشی‌گذاری فناوری‌های نوظهور کشور مؤثر باشد؛ دارای ضرورت کاربردی می‌باشد.

اهداف: تقویت گفتمان درس‌آموزی خط‌مشی و استفاده از مطالعات تاریخی در مطالعات خط‌مشی به خصوص در حوزه فناوری‌های نوظهور هدف اصلی و نظری این پژوهش است. اهداف کاربردی که از پژوهش حاضر انتظار می‌رود نیز شامل ارائه الگویی برای بینش دقیق‌تر برای سیاست‌گذاری و به‌کارگیری آن الگو برای سیاست‌گذاری هر چه بهتر در زمینه توسعه فناوری‌های نوظهور در کشور است.

سؤال‌ها و فرضیه: پرسش اصلی عبارت است از: درس‌های حاصل آمده از نحوه مواجهه ایرانیان با فناوری‌های نوین در دوران قاجاریه و پهلوی برای امروز سیاست‌گذاری کشور چیست؟ بدین‌منظور به این سؤال‌های فرعی زیر پاسخ گفته شده است: مواجهه اقشار مختلف جامعه ایرانی اعم از روشنفکران، جریان دینی و مردم با سیاست‌های اتخاذی حکومت‌ها چگونه بوده است؟ مؤلفه‌های مشترکی که در مواجهه

ایرانیان با فناوری‌های نوظهور در دوران تاریخی قاجار و پهلوی وجود داشته چیست؟ این تحقیق فرضیه‌آزما نیست.

۱. پیشینه پژوهش

مسئله فناوری‌های نوین عموماً ذیل عنوان تجدد در کشور ما مورد بحث قرار گرفته و شاهد تولید متون متعددی در این خصوص هستیم که می‌توان آنها را در دو گروه زیر بررسی نمود:

۱-۱. پیشینه موضوع در نشریه «دانش سیاسی»

موضوع فناوری‌های نوین در پنج عنوان از مقاله‌های نشریه دانش سیاسی مورد توجه قرار گرفته است که از منظر پژوهش حاضر می‌توان آنها را با توجه به رویکرد نویسندگان، به سه دسته اصلی تقسیم نمود:

الف. مواردی که به پیامدهای سیاسی فناوری‌های نوین به صورت کلان پرداخته‌اند. برای مثال برجعلی‌زاده و دیگران (۱۳۹۹) تأثیرهای فناوری‌های نوین بر مناسبات قدرت در سطح بین‌المللی را تحلیل نموده‌اند؛ حال آنکه سلطانی‌نژاد و دیگران (۱۳۹۵) موضوع تحول ماهیت و کارکردهای عمومی قدرت را از این ناحیه به بحث گذارده‌اند.

ب. متونی که به تحلیل تأثیری مشخص از فناوری‌های نوین اختصاص یافته است. برای مثال تأثیرهایی که از این ناحیه حقوق شهروندی می‌پذیرد، توسط رحمتی (۱۳۹۸) تحلیل شده است. تأثیرات امنیتی در برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نیز توسط پوراحمدی (۱۳۸۸) و سجادی‌پور و اجتهادی (۱۳۸۹) تحلیل شده است.

پ. مطالعاتی که به موضوع مهم حکمرانی فضای مجازی پرداخته‌اند و از منظر سیاست‌گذاری عمومی به بحث فناوری‌ها ورود نموده‌اند. برای مثال فیروزآبادی و احمدآبادی آزادی (۱۳۹۹) این مسئله را در جامعه و حکومت ایران بررسی نموده‌اند.

چنانکه ملاحظه می‌شود موضوع خط‌مشی‌گذاری به‌جز در یک مورد (مقاله فیروزآبادی و احمدآبادی آزادی، ۱۳۹۹) مدنظر نبوده و از این حیث مقاله حاضر با متون مشابه در این نشریه متمایز ارزیابی می‌گردد. ضمن آنکه در آن یک مورد نیز بحث کلان و با هدف گونه‌شناسی مطرح شده، حال آنکه در نوشتار حاضر مقطع زمانی خاصی مطرح شده که متفاوت از مقاله مزبور است.

۲-۱. پیشینه موضوع در سایر منابع

مجموع این مطالعات را با عنایت به موضوع و منظر محققان می‌توان به شش گروه تقسیم نمود:

یک. بررسی نوسازی از منظر فرهنگی - اجتماعی

عده‌ای همچون سراج‌زاده (۱۳۸۳)، وحدت (۱۳۸۲)، هزاوه‌ای (۱۳۸۵)، محمدی (۱۳۸۹)، هاشمی زهی (۱۳۸۶)، رشید کرشان و صباغ (۱۳۹۷)، سوری لکی و سوری (۱۳۹۴) مدرنیته را از منظر اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار داده و چالش‌های پیش روی مردم و چگونگی مواجهه آنان با روند نوسازی را در طول تاریخ کاویده‌اند.

دو. بررسی تطبیقی نوسازی در ایران و سایر کشورها

گروه دیگری از محققان، مانند حسن‌پور و همکاران (۱۳۹۷) بررسی تطبیقی روند نوسازی در ایران و دیگر کشورها را مدنظر قرار داده و به تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در این روندها اشاره کرده‌اند.

سه. بررسی مبانی و چالش‌های سنت و مدرنیته

چالشی که توجه بیشتری نسبت به دو مسئله اخیر را به خود جلب نموده، چالش سنت و مدرنیته و نقش جریان‌های دینی و روشنفکری در روند نوسازی و تجدد است. جریان‌شناسی فکری ایران معاصر با مدرنیته و چالش‌های افکار دینی با آن، موضوعی است که بسیاری همچون خسروپناه (۱۳۹۴)، وحدت (۱۳۸۲)، میرسپاسی (۱۳۹۳)، گودرزی (۱۳۸۶)، مصطفوی (۱۳۷۷)، فوزی توپسرکانی (۱۳۸۰) به آن پرداخته‌اند. تقریباً بیشترین ادبیاتی که در حوزه مدرنیته و تاریخ معاصر وجود دارد در این گروه جای می‌گیرد.

چهار. موردکاوی‌ها و بررسی مصادیق تجدد در کشور

ورود مصادیقی به تجدد در کشور نیز از جمله زمینه‌هایی است که در هر عرصه، کم و بیش به آن پرداخته شده است. سینما و تلویزیون از جمله فناوری‌های جدیدی است که به واسطه نوظهور بودن آن و هم‌زمانی با روند تجدد، به آنها پرداخته شده و در این پژوهش نیز به عنوان «مورد مطالعه» بررسی شده‌اند. علوی‌پور (۱۳۹۷) از این منظر به موضوع پرداخته‌اند.

پنج. سیر تاریخی گسترش مدرنیته در ایران

آثار عمومی‌تری وجود دارد که به بررسی تاریخی روند توسعه اندیشه تجدد و چالش‌های سنت و تجدد در ایران پرداخته و ما را در فهم هر چه بهتر این پدیده کمک می‌کند. بهنام (۱۳۷۵)، میلانی (۱۳۸۲)، کسرائی (۱۳۸۴)، جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۴) و بذرافکن (۱۳۸۷)، همگی آثاری هستند که از این منظر به تحلیل مسئله همت گمارده‌اند.

شش. مطالعات سیاست‌گذارانه

امیری و دیگران (۱۳۹۰) در پژوهشی موضوع تقلیدپذیری در خط‌مشی و جایگاه بررسی‌های تاریخی در درس‌آموزی برای سیاست‌گذاری را مورد بررسی قرار داده‌اند. پژوهش شاه‌آبادی و دیگران (۱۳۹۳) نیز به عنوان اسلویی برای پژوهش‌هایی از این دست به حساب می‌آید. اگرچه افرادی همچون عزیزپور (۱۳۹۷) نگاه سیاست‌گذارانه‌ای در برخی موضوعات داشته و به نفوذ مدرنیته در تفکر سیاست‌گذاری کشور اشاره کرده‌اند، اما در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها به درس‌آموزی‌های تاریخی برای سیاست‌گذاری فناوری‌های نوین پرداخته نشده است.

آنچه در این پژوهش به عنوان گامی رو به جلو مورد توجه قرار گرفته اولاً. رویکرد تطبیقی به چگونگی مواجهه تاریخی ایرانیان با فناوری‌های نوظهور و ثانیاً. بررسی آن از منظر خط‌مشی و درس‌آموزی‌هایش برای سیاست‌گذاران است که تا به حال کمتر به آن توجه شده است.

۲. مبانی مفهومی

مبانی مفهومی این تحلیل بر سه رکن به شرح زیر استوار است:

۲-۱. تجدد و مدرنیته

وقتی از تجدد و مدرنیته سخن می‌گوییم، سه معنا از آن در نظر است: گرایش به باورها و نگرش‌های نوین، گرایش به ایجاد نظام‌های جدید اجتماعی و تمایل به استفاده از علوم و فناوری‌های جدید برای رسیدن به حداکثر رفاه و غایات مادی. مراد اخیر از تجدد غالباً با ظهور فناوری‌های جدید همراه است؛ ظواهری که جنبه مثبت و فریبنده‌ای

برای عقاید و افکار غربی و اندیشه‌های سکولار به حساب می‌آید و عمومی‌ترین گرایش جوامع غیرغربی - از جمله جوامع اسلامی - در تعامل با جوامع غربی است (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۴، صص. ۲۰۶-۲۰۴). به صورت کلی‌تر، میلانی مختصات تجدد را این‌گونه معرفی می‌کند: «تجدد پرچم‌دار خردمداری، اقتصاد کالایی و سرمایه‌داری، فروپاشی سنت و پیدایش جامعه مدنی است» (میلانی، ۱۳۸۲، ص. ۱۴۷). فوزی تویسرکانی با بررسی تعاریف متعدد نوسازی آنچه درباره قالب فکری این موضوع مورد توافق است را مربوط به حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌داند که به ترتیب در هر کدام رشد اقتصادی، افزایش مشارکت و نهادهای دموکراتیک و نقادی ارزش‌های بومی و ترجیح ارزش‌های وارداتی پیگیری می‌گردد (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۰، صص. ۶۹-۶۷).

۲-۲. فناوری‌های نوظهور

نوظهور بودن در فرهنگ لغت فارسی به معنای تازه مد شدن و متداول شدن است (دهخدا، ۱۳۷۵، ج ۱۳، ص. ۲۰۳). در فرهنگ لغت لاتین نیز این واژه دلالت بر فرایند شدن، متداول گردیدن و به وجود آمدن دارد (حقوق‌شناس؛ سامعی و انتخابی، ۱۳۸۱، ص. ۴۸۸؛ Hornby, 2005, p. 498). بر این اساس فناوری‌های نوظهور را می‌توان با شاخص‌های مختلفی تعریف نمود که مهم‌ترین آنها در جدول زیر آمده است:

جدول شماره (۱): تعاریف فناوری‌های نوظهور

منبع	تعریف
Boon & Moors, 2008, p. 1915	فناوری‌هایی که در مرحله اول توسعه هستند.
Cozzens et al, 2010, p. 365	فناوری‌هایی که ارزش بالقوه بسیاری دارند اما تا به حال بالفعل و گسترده نشده است.
Stahll, 2011, p. 3	فناوری‌هایی که به صورت بالقوه می‌توانند در ۱۰ تا ۱۵ سال آینده اهمیت اجتماعی بسزایی کسب کنند.
Small, et al. 2015, p. 2	تقریباً توافقی جهانی بر این وجود دارد که فناوری‌های نوظهور دو مشخصه دارند: جدید بودن و رشد
نظری‌زاده و میرشاه ولایتی، ۱۳۸۷، ص. ۵	پیشرفت‌های مبتنی بر نوآوری‌های علمی که استعداد ایجاد یک صنعت جدید یا تحول در صنایع موجود را دارا هستند.

منبع	تعریف
سهرابی؛ خلیلی جعفرآباد و رودی، ۱۳۹۶، ص. ۲۷	حوزه‌هایی با اهمیت زیاد هستند که به تازگی ایجاد و فرایند شکل‌گیری آنها به سرعت طی شده باشد.

(برگرفته از: Rotolo, Hicks & Martin, 2015, p. 9)

در مجموع می‌توان تجدد را در مفهوم فناورانه خود به معنی فناوری‌های نوظهور - ایجاد یک صنعت جدید یا تحول در صنایع موجود مبتنی بر نوآوری - دانست؛ البته تجدد به خاطر صبغه تاریخی خود نوعی تقلید و پیوستگی به غرب را متبادر می‌کند که فناوری‌های نوظهور الزاماً چنین ویژگی‌ای را ندارند.

۲-۳. نظام خط‌مشی‌گذاری

تعاریف بسیاری از خط‌مشی وجود دارد. برخی خط‌مشی را اقدام یا عدم اقدام دولت می‌دانند؛ برخی خط‌مشی را مجموعه اقداماتی تلقی می‌کنند که توسط یک یا چند بازیگر به منظور بهبود یک مسئله انجام گرفته است (اسمیت و لاریمر، ۱۳۹۵، صص. ۱۴-۱۳). الوانی خط‌مشی‌های عمومی را اصولی می‌داند که توسط مراجع ذی‌صلاح وضع شده و به عنوان الگو و راهنما فعالیت‌های جامعه را راهبری می‌کند (الوانی، ۱۳۹۲، ص. ۱۴). بنابراین منظور از نظام خط‌مشی، مجموعه‌ای از فرایندها و بازیگرانی است که برای بهبود یک مسئله تلاش کرده و صلاحیت پرداختن به آن را نیز دارند.

۳. مبانی نظری و الگوی تحلیل

توجه به سیاست‌های اتخاذی دولت‌ها درباره فناوری‌های نوظهور و چگونگی موضع‌گیری و مواجهه ایرانیان با آن سیاست‌ها - به عنوان عاملی زمینه‌ای که گاهی پیشران و گاهی مانع تحقق آنها به حساب می‌آمده - دو شاخص کلیدی برای این مطالعه تطبیقی است. با توجه به مقدمات بیان‌شده، پرداختن به مسئله فناوری‌های نوظهور در تاریخ از رهگذر بررسی مدرنیته، نوسازی و تجدد امکان‌پذیر است. از این منظر رشید کرشان و صباغ (۱۳۹۷، صص. ۱۶-۱۵) سه عامل نهادی حکومت و دولت، دین و روحانیت، نخبگان و روشنفکران را مهم‌ترین عوامل مؤثر در توسعه مدرنیته در ایران معاصر می‌دانند. نهاد حکومت و دولت به عنوان یکی از اصلی‌ترین نهادها در

چگونگی رویارویی با مدرنیته و جریان دینی (علما و روحانیت) و روشنفکران نیز به عنوان دو نهاد مهم در هدایت جامعه و ایجاد پشتوانه اجتماعی برای تحرکات، در شکل‌دهی به چگونگی مواجهه جامعه با فناوری‌های نوظهور تأثیرگذارند. دولت‌ها و حاکمیت‌ها به عنوان سیاست‌گذاران جامعه در زمینه‌های مختلف، سیاست‌هایی برای چگونگی توسعه فناوری‌های جدید اتخاذ می‌کنند که این خط‌مشی‌ها خود ناشی از خط‌مشی‌های بنیادین حکومت در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است (حسن‌پور؛ حسن‌پور و کافی، ۱۳۹۷، ص. ۷۵)؛ که معمولاً در یک حکومت روند باثبات و مشخصی را طی می‌کنند؛ لذا می‌بایست خط‌مشی‌های بنیادین مذکور را در موارد مطالعه کلان و در سطح حکومت‌ها مورد توجه قرار دهیم. بررسی موارد در سطح حکومت‌ها، می‌تواند تا حد نسبتاً رضایت‌بخشی شمولیت و گونه‌شناسی‌های مختلف را برای پرهیز از خطا و تضمین پایایی پژوهش مهیا سازد. از نظر تاریخی نوسازی و اصلاحات را می‌توان به چهار دوره تقسیم نمود (موتقی، ۱۳۸۴، ص. ۲۳۷) که تمرکز ما بر سه دوران اولیه، یعنی دوران قاجاریه (که خود شامل دو دوره است) و پهلوی است. بنابراین آنچه تا به حال بیان‌شده را می‌توان برای مطالعه تطبیقی به صورت شاخص‌های زیر طبقه‌بندی نمود:

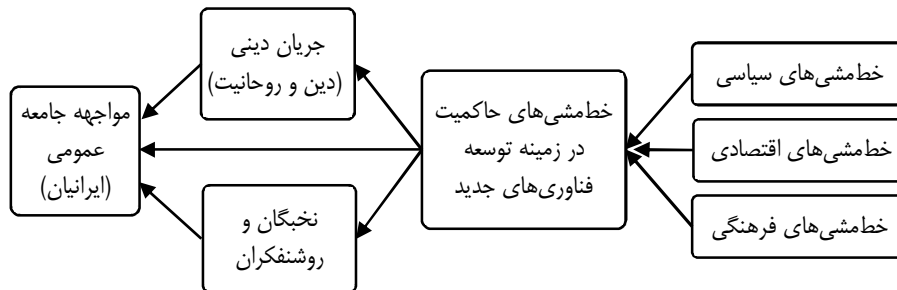
جدول شماره (۲): شاخص‌های کلیدی در زمینه فناوری‌های نوظهور

ابعاد قابل بررسی	شاخص‌های کلان	موردکاوی	بازیگران کلیدی
اقتصادی، فرهنگی، سیاسی	سیاست‌های دولت درباره توسعه فناوری‌های نوظهور	قاجاریه	دولت
		پهلوی	
مبانی فکری و حمایت یا عدم حمایت	موضع‌گیری این جریان نسبت به سیاست‌های دولت	قاجاریه	جریان‌دینی
		پهلوی	
مبانی فکری و حمایت یا عدم حمایت	موضع‌گیری این جریان نسبت به سیاست‌های دولت	قاجاریه	جریان روشنفکری
		پهلوی	

(طراحی توسط نویسندگان)

با توجه به جریان‌های ذکر شده، الگوی اولیه پژوهش به صورت زیر قابل رسم است:

شکل شماره (۱): مدل اولیه پژوهش



(طراحی توسط نویسندگان)

۴. روش پژوهش

با عنایت به ماهیت بین رشته‌ای پژوهش حاضر از ترکیبی از روش‌ها جهت گردآوری و تحلیل داده‌ها استفاده شده که به شرح زیر می‌توان آنها را معرفی نمود:

۴-۱. تقلید خطمشی

بررسی‌های تاریخی کمک زیادی به بهبود نظام خطمشی‌گذاری در حوزه‌های مختلف می‌نمایند (Pierson, 2005, p. 48). به همین خاطر است که بسیاری از محققان معتقدند که مسئله اصلی و اولیه خطمشی‌گذاران این است که بفهمند: داستان چیست؟، نه اینکه مسئله چیست؟. چرا که اگر داستان به خوبی نقل گردد، مسئله اصلی و واقعی خود را نمایان خواهد ساخت و آن مسئله ممکن است چیزی نباشد که مردم فکر می‌کردند (Reuss, 1988, p. 41). به منظور بررسی تاریخی سیاست‌های حکومت‌های مختلف، نحوه واکنش جامعه نسبت به آن سیاست‌ها و بررسی درس‌آموزی‌های آن برای سیاست‌گذاران امروز بهترین رهیافتی که از دریچه خطمشی به مباحث تاریخی می‌پردازد «تقلید خطمشی» است که بر استفاده از تجربه دیگران برای حل مسائل عمومی تأکید دارد (شاه‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۷۸). تقلیدپذیری در خطمشی با ۶ هدف انجام می‌گیرد:

شکل شماره (۲): گونه‌شناسی ماهیت تقلید در خط‌مشی



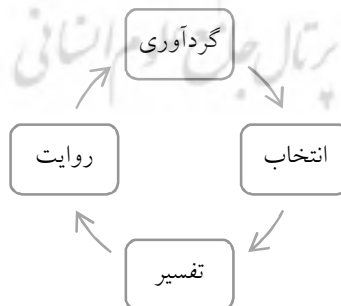
(منبع: امیری و دیگران، ۱۳۹۰)

آنچه مطالعات تاریخی در حوزه خط‌مشی بیشتر به دنبال بهره‌گیری از آن است، «درس‌آموزی» از خط‌مشی‌های اتخاذی توسط گذشتگان یا دیگر کشورها است. پرسش اصلی مباحث درس‌آموزی این است که: در چه اوضاع و تا چه مقداری می‌توان برنامه‌ای را که در جغرافیا یا زمانی، اثربخش است به جغرافیا یا زمانی دیگر منتقل کرد؟ (امیری و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۱۵).

۲-۴. تاریخ‌نگاری

فراگرد تاریخ‌نگاری در ابتدا نوعی روایت تاریخی است که با هدف و سؤالات خاصی انجام می‌شود. الگوی این روایت را می‌توان به شکل زیر ترسیم نمود که در عمل ممکن است این فرایند، بارها و بارها انجام گیرد:

شکل شماره (۳): الگوی روایت تاریخی



(Source: Grattan, 2008, p. 175)

۳-۴. تطبیقی - تاریخی

این روش، جزو روش‌های کیفی مورد محور است که معمولاً به عنوان احیای کل‌گرای تاریخی تلقی می‌شود. هدف مشترک این‌گونه تحلیل، تفسیر کردن رخدادها یا فرایندهای تاریخی در بین تعداد معدودی از موردهاست (فاضلی و محمودیان، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۵). شاه‌آبادی و دیگران فراگرد استفاده از تاریخ در حل مسئله عمومی با استفاده از تحلیل تطبیقی - تاریخی را روشمند ساخته و در قالب مراحل بیان نموده‌اند (شاه‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۳)؛ مراحل این روش در جدول زیر ذکر شده است:

جدول شماره (۳): مراحل پژوهش تاریخی - تطبیقی

نام مرحله	شرح اقدامات
تعیین موضوع پژوهش	تعیین سؤالات اصلی پژوهش، بیان اهمیت موضوع
تعیین هدف پژوهش تاریخی	با توجه به طیف تفردگرا تا تعمیم‌گرا و استفاده‌های گوناگون از رونویسی تا الهام‌گیری
مفهوم‌سازی موضوع پژوهش	پژوهشگر با مدلی اولیه یا مجموعه‌ای از مفاهیم اولیه کار را شروع می‌کند.
انتخاب مورد(ها)	تعیین مورد یا موارد تاریخی مناسب
انتخاب منابع تاریخی (یافتن قرائن)	احاطه پژوهشگر بر ادبیات پژوهش، یادداشت‌های تفصیلی، تعدیل مفاهیم و سؤال‌های اولیه
ارزشیابی کیفیت قرائن	پرسش از نحوه ارتباط قرائن نسبت به سؤال‌های پژوهشی و مفاهیم، میزان صحت و قوت قرائن
سازمان‌دهی قرائن	بهره‌گیری از بینش‌های نظری برای تحریک راه‌های جدید سازمان‌دهی داده‌ها و طرح سؤال‌های جدید
ترکیب کردن (تبیین)	پالایش و خلق مفاهیم و مضامین جدید و حرکت به سمت نوعی مدل تبیینی
تحریر گزارش	کنار هم گذاشتن قرائن، برهان‌ها و نتیجه‌گیری‌ها

(منبع: شاه‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۸۸)

با توجه به اهمیت میزان تعمیم‌پذیری نتایج و لزوم انتخاب مورد یا موارد مناسب برای هدف پژوهش و تعداد آن‌ها، می‌توان دو مرحله «تعیین میزان تعمیم‌پذیری از کاربرد

روش تاریخی» و «تعیین موردها» را به این مراحل اضافه کرد. در صورتی که بیش از یک مورد انتخاب شده باشد، نتیجه هر بررسی موردی با دیگری تطبیق داده شده و وجوه مشترک آنها استخراج می‌گردد (شاه‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۳، صص. ۸۷-۸۶).

۴-۴. کاربرد روش

استفاده از تاریخ می‌تواند با اهداف مختلفی صورت گیرد. از آنجا که دیدگاه‌های متنوعی درباره میزان درس‌آموزی از تاریخ برای وضع کنونی وجود دارد، پژوهشگری که رویکرد تاریخی را برای حل مسائل عمومی برمی‌گزیند، باید روشن کند که چه استفاده از تاریخ را مدنظر دارد. به طور کلی دو رویکرد را در مورد نحوه استفاده از تاریخ برای وضع کنونی می‌توان متمایز کرد: رویکرد تفردگرا که پدیده‌های تاریخی را منحصر به فرد و غیرقابل تعمیم می‌داند؛ و رویکرد تعمیم‌گرا که تاریخ را دارای قوانین کلی و عام و تعمیم‌پذیر تلقی می‌کنند (شاه‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۳، صص. ۹۱-۹۰). در مجموع می‌توان دیدگاه موافقان استفاده از تاریخ برای وضع کنونی را در جدول زیر خلاصه کرد:

جدول شماره (۴): انواع استفاده از تاریخ برای وضع کنونی

انواع استفاده	توضیح
توصیف	توصیف دقیق رویدادهای گذشته
طبقه‌بندی	طبقه‌بندی پدیده‌ها با توجه به وجوه اشتراک و افتراقشان
تبیین	تلاش جهت کشف روابط علی معلولی
گسترده کردن دید	فهم بهتر خاستگاه‌های مسائل کنونی با داشتن دیدگاهی وسیع‌تر نسبت به تاریخ آن مسائل
الهام‌بخشی	بخشی از این تاریخ به ارائه نمونه‌ای به قصد الهام گرفتن اختصاص یافته است.
ارائه راهنماهای عملی	نشان دادن شیوه دیگر اداره و کمک در نقد شیوه‌های کنونی
نظریه‌پردازی	استخراج نظریه‌ای قابل تعمیم، از درون مطالعات تاریخی
پیش‌بینی	پیش‌بینی از طریق استفاده از نظریات تاریخی و یافتن مشابهت‌های وضع کنونی با گذشته

(منبع: شاه‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۹۱)

برای مشخص کردن انواع بهره‌برداری از تاریخ می‌توان از مدل رز^۱ نیز استفاده کرد. وی مراحل و سطوح مختلف درس‌آموزی خط‌مشی را به صورت جدول زیر بیان می‌کند:

جدول شماره (۵) انواع درس‌آموزی از خط‌مشی

انواع استفاده	توضیح
رونویسی (تقلید صرف)	برنامه‌ای که در زمان دیگر یا جغرافیای دیگری اعمال شده، به صورت تقریباً دست‌نخورده تصویب شود.
اقتباس	برنامه‌ای که در زمان دیگر یا جغرافیای دیگری اعمال شده، با تفاوت‌های زمینه‌ای و محیطی سازگار شود.
ایجاد برنامه پیوندی	عناصر برنامه‌های دو جغرافیا یا زمان مختلف ترکیب شود.
تلفیق	عناصر مشابه از برنامه‌های تعدادی از جغرافیاهای مختلف، ترکیب شود و برنامه جدیدی را خلق کند.
الهام گرفتن	از برنامه جغرافیاهای دیگر به عنوان ابزاری فکری استفاده شود تا برنامه جدید تدوین گردد.

(منبع: امیری و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۱۵)

شاه‌آبادی و دیگران با تلفیق این مدل و مدل تاریخ‌نگاران درباره میزان تعمیم‌پذیری تاریخ، مدل مناسب‌تری را ارائه نموده‌اند:

شکل شماره (۴): تسری دیدگاه درس‌آموزی به رویکرد تاریخی برای کاربردی در خط‌مشی‌گذاری



(منبع: شاه‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۳، ج ۲۰، ص. ۹۲)

با توجه به قدمت تاریخی و فاصله زیاد زمانی و همچنین تحولات گسترده در قرن معاصر، رونویسی یا اقتباس از آنچه حکومت‌ها انجام داده‌اند نمی‌تواند نسخه مناسبی برای پژوهش‌های تاریخی در زمینه فناوری‌های نوظهور باشد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد «گسترده‌تر کردن دید» و «الهام‌گیری» مناسب‌ترین اهداف برای موضوع پژوهش باشند. البته تکامل این بررسی‌های تاریخی دلالت‌هایی برای عمل و پیش‌بینی در حوزه سیاست‌گذاری فناوری‌های نوظهور دیگر نیز در پی خواهد داشت. بر این اساس روش ترکیبی پیشنهادی، بر روی دو سطح تحلیل (یعنی: تحلیل رفتار و تحلیل روایت) متمرکز است و از این حیث امکان برداشت‌های سیاست‌گذارانه بیشتری را برای محققان فراهم می‌سازد.

۵. تحلیل رفتارها

تحلیل رفتار جامعه ایران در مواجهه با فناوری‌های نوظهور در زمان قاجاریه و پهلوی، مستند به الگوی تحلیلی و روش مختار؛ در پنج سطح انجام می‌شود:

۵-۱. «حکومت» قاجاریه

برای کندوکاو رابطه ایران با جهان مدرن باید دوران صفویه را مبدأ قرار داد (بذرافکن، ۱۳۸۷، ص. ۴۳)؛ اما می‌توان گفت که نخستین مواجهه جدی ایران با دول غربی در زمان قاجاریه شکل گرفت. با تماس‌های بسیار زیاد ایران با انگلیسی‌ها و روس‌ها در این دوران و از طرف دیگر با شکست ایران در جنگ‌های نظامی با انگلستان و روس، متفکران و دولتمردان کم‌کم دلباخته دانش و فناوری‌های آنها گردیدند و آن را لازمه جبران عقب‌ماندگی‌ها و شکست‌های خود می‌دانستند (بذرافکن، ۱۳۸۷، صص. ۶۳-۶۲). اگرچه این رویارویی ابتدایی بیشتر معطوف به عرصه‌های نظامی و فناوری بود اما نمی‌توان از تأثیرات سیاسی و اجتماعی آن بر خط‌مشی‌های حکومت چشم پوشید (وحدت، ۱۳۸۲، صص. ۵۹-۵۸).

الف. اقتصادی

اقتصاد ایران پس از دوران صفویه متأثر از ناامنی‌ها و هرج‌ومرج‌ها بود و مدت‌های مدیدی آشوب، رکود و ایستایی را تجربه کرد. نفوذ بسیار دولت‌های اروپایی و

تأثیرپذیری بازار ایران از سیاست‌های سرمایه‌داری آنان روزهای ناخوشایندی را برای بازار ایران رقم زد (کسرابی، ۱۳۸۴، صص. ۲۱۰-۲۰۹). ورود اقتصاد ایران به ورطه سرمایه‌داری نتیجه‌ای جز مستعمره شدن بازارهای او در برابر تولیدات خارجی و نابودی صنایع و تولیدات داخلی همچون زراعت و... نداشت (برزگر، ۱۳۸۰، ص. ۲۲۲). حاکمیت ایران آن‌چنان در کنترل دو قدرت بزرگ همسایه قرار گرفت که ناصرالدین‌شاه نیز از این وضعیت شاکی شد و در برنامه‌ای به میرزا ملکم‌خان نوشت: وضع دولت ایران طوری شده است که هیچ دولتی به این حالت نیست (کسرابی، ۱۳۸۴، صص. ۲۴۴-۲۴۱). بنابراین ایران در دوران قاجاریه از اقتصاد کشور رنج می‌برد و اوضاع نابسامانی در کشور حکم‌فرما بود که تغییراتی جدی را می‌طلبید.

ب. فرهنگی

گذار از نظم مذهبی به سوی نوعی انتظام سیاسی - قانونی، عرفی شدن و اهمیت یافتن ملاحظات عقلانی را می‌توان از اسباب تجدد دانست (میلانی، ۱۳۸۲، ص. ۱۲۹). جامعه ایران از نیمه دوم قرن نوزدهم با شک و تردید به سنت‌های خود می‌اندیشد؛ اسناد تاریخی از آن دوران به بعد گویای اقبال جامعه به تجدد و نوسازی و یا گذار از سنت‌ها در بسیاری از حوزه‌های اجتماعی هستند (پهلوان، ۱۳۸۳، ص. ۱۱). این تحولات تنش و درگیری زیادی بین قشر سنتی جامعه با محوریت علما و روحانیون و پادشاهان و دولتمردان ایجاد نمود (رهبری، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۲). یکی از مهم‌ترین علل مخالفت جریان مذهبی هراس از فناوری بیگانه و ترس از سنت شدن اعتقادات مردم بوده است که خود را در وقایعی همچون هجوم علما و مخالفت مردم با سیستم و فناوری نوین آموزشی ایجاد شده توسط میرزا حسن رشیدی نشان می‌دهد (ناظمی، ۱۳۹۶، صص. ۸۴-۸۳).

پ. سیاسی

از اوایل قرن نوزده و بعد از شکست‌های پی‌درپی ایران در جنگ با روسیه، تأثیرات رنسانس در ایران مشاهده شد و بسیاری از مشخصه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی اروپای جدید سرلوحه اداره‌کنندگان کشور گردید (رشید کرشان و صباغ، ۱۳۹۷، صص.

۷-۸). چرخش جهت‌گیری‌های سیاسی از نظامی سنتی به نظامی که خواهان تجدد و توسعه فناوری‌های جدید خارجی است سیاستی بود که قاجار تلاش خود را وقف آن نمود. جهت‌گیری سیاسی دولت نیز در این دوران جهت‌گیری غرب‌گرایانه‌ای بوده که روند سکولاریسم پنهان در جهت‌گیری‌ها و تمایلات قاجار را در پی داشته است (مریجی، ۱۳۸۴، ص. ۲۴۴).

۲-۵. «حکومت» پهلوی

رضاخان برای تثبیت حکومت و پیشبرد اهداف ابتدایی خود سعی در جلب‌نظر روحانیت و عموم جامعه سنتی داشت؛ اما پس از تثبیت حکومت، روند مبارزه با دین و سکولاریزاسیون به بهانه ترقی‌خواهی و پیشرفت شروع شد (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۶، صص. ب - پ). او علی‌رغم «عدم اعتقاد به برخی جنبه‌های مدرنیته همچون آراء مردم و حکومت قانون، تمام هم‌وغم خود را صرف نوسازی و مدرن‌سازی ایران کرد و تصمیم داشت تمام نیروهای سنتی به ویژه روحانیون را از گردونه رقابت خارج نماید. به طور خلاصه هدف بلندمدت او ایجاد جامعه‌ای شبه مدرنیستی بود» (حسین‌بر و حسینی‌فر، ۱۳۹۶، ص. ۵۶).

الف. اقتصادی

سیاست اقتصادی رضاشاه مبتنی بر توسعه صنعتی و اقتصادی شوروی سابق بود. تأسیس بانک ملی در سال ۱۳۰۶، زیر نظر دولت قرار گرفتن سهمیه صادرات و واردات کالا (مثلاً شرکت دخانیات به منظور نظارت بر تولید و پخش توتون و سیگار وجود داشت)، در دست گرفتن صنایعی همچون تصفیه شکر (تأسیس یک کارخانه در سال ۱۳۱۵ در کهریزک)، تولید چای (تأسیس یک کارخانه در سال ۱۳۱۵ در لاهیجان)، تولید سیمان و... از جمله فعالیت‌هایی بود که او در زمینه صنعتی و اقتصادی انجام داده است (جباری و موثقی، ۱۳۸۷، صص. ۲۹۱-۲۹۰).

ب. فرهنگی

در الگوی شبه مدرنیستی، فناوری مدرن درمان قطعی و قادر به معجزه شناخته شده است و تصور می‌شود که با استفاده از آن همه مشکلات اجتماعی و اقتصادی را یکسره

حل کند. با این اوصاف، ارزش‌های اجتماعی و نهادهای سنتی و مذهبی همان‌طور که رضاشاه می‌اندیشید، علل عقب‌ماندگی و شرمساری اجتماعی به شمار می‌روند و باید به حاشیه رانده شوند (حسن‌پور؛ حسن‌پور و کافی، ۱۳۹۷، ص. ۳۰). مهم‌ترین کار دولت در راه تجدد و ایجاد فناوری‌های جدید نیز، جداسازی دین از آن فناوری‌ها (مانند جداسازی دین از فناوری‌ها و نظام آموزش جدید) و نفوذ فرهنگی برای از میان برداشتن نهاد دینبه واسطه ابزارهای نوین و فناوری‌های نوظهوری همچون تلویزیون، رادیو و سینما بود (اکبری معلم، ۱۳۸۱ و حسن‌پور؛ حسن‌پور و کافی، ۱۳۹۷، ص. ۷۸). رضاشاه با این اقدامات خود، دولت و آورده‌هایش را در مقابل روحانیت قرار داد و منازعه‌ای میان حکومت و روحانیت ایجاد کرد (حسین‌بر و حسنی‌فر، ۱۳۹۶، ص. ۵۸). گسترش مدرنیته بدون توجه به فرهنگ بومی، علائق و سنت‌های مذهبی مردم از دیگر مشخصه‌های فرهنگی دوران پهلوی بود که عامل اصلی آن دستوری و بالا به پایین بودن نوسازی در این دوران است (سوری لکی و سوری، ۱۳۹۴، ص. ۵۸؛ گودرزی، ۱۳۸۶، صص. ۱۶۳-۱۵۴). حکومت پهلوی در فرایند نوسازی ایران - که فناوری‌های جدید و نوظهور را پیشران این حرکت قرار داده بود - آن‌چنان شتابزده عمل نمود که زدودن فرهنگ بومی و ترویج غرب و فرهنگ غربی واکنش و طغیان آحاد جامعه و سرخوردگی آنان را در پی داشت (رشید کرشان و صباغ، ۱۳۹۷، ص. ۱۸) و بعدها به ابزاری برای ایجاد هراس اخلاقی توسط فرهنگ سنتی و دینی علیه فرهنگ مسلط پهلوی تبدیل گردید (حامدی‌نژاد و مسجدی‌زاده، ۱۳۹۶، ص. ۱۳۶).

پ. سیاسی

با اثرات ناشی از جنگ جهانی اول، هرج و مرج‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و بی‌نظمی‌های موجود در کشور در دوران غیرمتمرکز قاجاریه، مرکزگرایی در حکومت و نظم و قانون آهنین و آمرانه از طرف رضاشاه پیگیری می‌شد و سیاست‌گذاری حکومت به سمت متمرکز و شخصی شدن پیش رفت (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۰، ص. ۱۹۱ و گودرزی، ۱۳۸۶، صص. ۹۹-۹۸). تمرکز منابع قدرت نقش مشارکت شهروندان را کاهش داد و شخص شاه را بر تمام شئون جامعه مسلط گرداند و فضایی امنیتی و البته دستوری بر کشور حاکم نمود (سوری لکی و سوری، ۱۳۹۴، ص. ۵۴).

۳-۵. مواجهه حکومت‌ها

در ایران دو پروژه مدرنیزاسیون در دوران معاصر پیگیری شده است: مدرنیزاسیون سیاسی و مدرنیزاسیون اقتصادی و اجتماعی. مدرنیزاسیون سیاسی شامل استقرار مشروطیت و تأسیس دولت ملت جدید به جای قاجاریه بود؛ اما مدرنیزاسیون اقتصادی و اجتماعی ابتدا به صورت آرمان ترقی اقتصادی در دوران قاجار ظهور یافت و سپس در عمل با اقدامات رضاشاه در جهت صنعتی کردن کشور ادامه داده شد که در کل به صورت «نوسازی آمرانه» درآمد (بهنام و جهانگللو، ۱۳۸۲، ص. ۵۸). قاجاریه تجدد و روی آوردن به غرب را نوش‌داروی عقب‌ماندگی و هرج‌ومرج‌های کشور می‌دانست؛ لذا به منظور شروع جدی‌ترین فرایند، نوسازی را از بالا به پایین انجام می‌داد و به دنبال انجام دستوری آن بود که در عمل با شکست روبه‌رو شد. با به قدرت رسیدن رضاشاه نوسازی و اصلاحات در زمینه‌های نظامی، آموزشی و اقتصادی را به طور یک‌جانبه در کشور شروع کرد و دامنه تحول را از فناوری به عرصه فرهنگ مردم - به عنوانی زیرساختی برای غربی شدن تمام ابعاد جامعه - کشاند. به عقیده طرفداران مدرنیسم تحول در ارزش‌ها و باورهای جامعه سنتی و جایگزینی ارزش‌های نوین عامل اصلی تحول آن جوامع است (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۰، صص. ۱۸۵-۱۸۴). ترویج آموزه‌های غربی توسط نظام آموزشی و مطبوعات، تقلید از رفتار و آداب غربی، لزوم یادگیری زبان انگلیسی و... از جمله مصادیق تحولات فرهنگی است که زمینه را برای پذیرش مدرنیته فراهم می‌آورد (بهنام، ۱۳۷۵، ص. ۶۴)، یعنی ضمن به‌کارگرفتن علم و فن، بعد فرهنگی و انسانی جامعه نیز هدف قرار گرفته (بهنام، ۱۳۷۵، ص. ۱۴۱) و استحاله فرهنگ سنتی و مذهبی و جایگزینی فرهنگ غربی پیگیری می‌شود (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۰، ص. ۱۶۰).

۴-۵. مواجهه دین و روحانیت

«تجربه اولین مواجهه روشنفکران ایرانی با تمدن غربی و مدرنیته، نشان داد مهم‌ترین وجه از سنت که در برابر مدرنیته مقاومت خواهد کرد، وجه دینی آن است» (محمدی، ۱۳۸۹، صص. ۱۵۷-۱۵۸). علما در پاسخ به محرک‌هایی همچون واگذاری امتیازات به بیگانه و خطر سلطه خارجی بر کشور در قراردادهایی همچون رویتر و لاتاری

واکنش‌هایی نشان داده و رهبری جنبش‌های سیاسی - اجتماعی را به دست گرفتند. با شروع دوران پهلوی، رضاشاه که به دنبال ایجاد حکومتی مطلقه و تمرکزگرا بود، اداره کشور را متمرکز کرده و حکمرانان محلی را از میان برداشت؛ اما غافل از اینکه علمای شیعی همچنان از قدرت اجتماعی خود برخوردار بودند (حسن‌پور؛ حسن‌پور و کافی، ۱۳۹۷، ص. ۷۸)؛ حکومت پهلوی تلاش می‌کرد جامعه ایرانی را با شتاب به سمت پذیرش مدرنیته در ساحت فناوری و ایدئولوژی سوق دهد، اما درست عکس چیزی که فکر می‌کرد، در برابر جامعه‌ای قرار گرفت که در برابر مدرنیته و دستاوردهای آن احساس گناه می‌کرد. مواجهه دین با مدرنیته، تجدد یا فناوری‌های جدید در کشور، مواجهه‌ای جدی و قابل توجه بوده که در برخی موارد همچون مشروطه توانسته موجب پیشبرد جنبه‌هایی از تجدد و در موارد دیگری مانند ابتدای دوران قاجاریه و سنت‌گرایی علمای آن زمان، مانعی جدی برای توسعه آن تلقی گردد.

۵-۵. مواجهه متفکران و روشنفکران با مدرنیته در ایران

در جوامعی که تحولاتی مثل توسعه، نوسازی، پیشرفت و مفاهیم و مسائل وابسته به این تحولات از قبیل هویت، اصالت، فرهنگ خودی و بیگانه، سنت و تجدد مطرح می‌شوند وظیفه روشن ساختن شرایط و مفاهیم و هدایت فکری مردم بر عهده روشنفکران است (حکمی، ۱۳۷۰، ص. ۷۹). نحوه مواجهه متفکران و روشنفکران ایرانی با مدرنیته و پدیده غرب را می‌توان دوره‌های مشخصی تقسیم کرد. خسروپناه در کتاب «جریان‌شناسی فکری ایران معاصر» گونه‌شناسی‌های مختلف و مفصلی برای جریان روشنفکری بیان کرده است (خسروپناه، ۱۳۹۴)؛ به صورت اجمال می‌توان سیر تاریخی رویکرد کشورهای اسلامی و شرقی خصوصاً ایران به غرب را به سه دوره مشخص غرب‌گرایی، غرب‌زدگی و غرب‌ستیزی تقسیم کرده است (هاشمی زهی، ۱۳۸۶، صص. ۵۵-۵۹). که در هر مرحله گفتمان خاصی حاکم بوده است:

الف. غرب‌گرایی: «حالت‌گرایی آگاهانه برای اقتباس پاره‌ای از شیوه‌های غربی برای مقابله با قدرت غرب که کم‌کم تبدیل به علاقه و دل‌بستگی جدی گردید را می‌توان دوره غرب‌گرایی نامید.» غرب‌گرایی را می‌توان موضع اصلی روشنفکران دوران قاجاریه تلقی نمود.

ب. مرحله تسلیم به غرب یا غرب‌زدگی: این جهت‌گیری که در دوران پهلوی به اوج خود رسیده است، جریان روشنفکری را نیز با خود همراه ساخته و تبعیت تام و تمام از غرب را توسط آنان ترویج می‌نمود. در این دوره علاوه بر زمامداران، طرز تفکر مردم هم دستخوش تحول شد (هاشمی زهی، ۱۳۸۶، ص. ۵۷).

پ. مرحله غرب‌ستیزی: از دهه ۱۳۴۰ش به بعد که جنبه‌های ایدئولوژیک مدرنیته شهود بیشتری یافت، برخی روشنفکران به چشم نقادانه به مدرنیته نگرستند (محمدی، ۱۳۸۹، صص. ۱۱۱-۱۱۲). در اواخر دوره پهلوی به خاطر خدشه‌دار شدن هویت ملی شاهد انتقادات جریان روشنفکری به مدرنیته و توجه به مسائل فرهنگی و هویتی ملی (جریان بازگشت به خویش) هستیم (کچویان، ۱۳۸۷، صص. ۱۱۷).

ظهور دولت نوین و اقتدارگرای پهلوی، مدرنیزاسیون از بالا و ایجاد از خودیگانگی میان مردم از عواملی‌اند که شرایط اجتماعی سیاسی را برای مقابله با تجدد فراهم می‌نمود که خود را در آثار روشنفکرانی آن زمان همچون شریعتی و آل احمد بازنمایی می‌کند (میرسپاسی، ۱۳۹۳، صص. ۲۰۱-۱۹۹).

۶. تحلیل روایت

اگرچه روایت حاکم در این دو مقطع تاریخی یکسان نیست ولی شاهد بروز رفتارهایی مشابه هستیم، که می‌تواند در بحث سیاست‌گذاری معنادار باشد:

۶-۱. روایت تجدد در دوره قاجاریه

دعوی تجدد و سنت‌گرایی در دوران قاجاریه بیشتر در لایه نخبگان و روشنفکران، علما و روحانیون و حاکمان بود. البته عامه مردم نیز از دو طریق با جریان تجدد مرتبط می‌شدند: جلوه‌های تجدد، و روحانیت. مظاهر مدرنیته برای مردم عادی آن‌چنان خوشایند نبود؛ چراکه همراه با اعطاء امتیازات ویژه به خارجی‌ها، بیکار شدن کارگران داخلی و اثرات منفی بر زندگی مردم همراه بود. وارد شدن ضربه هویتی و ملی به مردم و کاربست الگوهای مسلط غربی بدون توجه به مقتضیات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی موجب شکست فرایند تجدد و عدم پذیرش آن توسط جامعه گردید (هزاوه‌ای، ۱۳۸۵، ص. ۱۹۰)؛ باید توجه نمود که تجدد و نوسازی به یک‌باره در جامعه نهادینه نمی‌گردد و

تلاش‌های بسیاری لازم است تا بتوان سنت‌ها را با روح زمانه هماهنگ کرد و جامعه را از درون نو ساخت؛ به علاوه، کوشش‌های نوآورانه بدون همراهی گروه‌ها و اقشار مختلف عملاً نشدنی است (پهلوان، ۱۳۸۳، ص. ۱۲).

۲-۶. روایت تجدد در دوره پهلوی

حکومت پهلوی با رویکردهای کاملاً سکولار و داعیه‌داری نوسازی و تجدد در کشور روی کار آمد. این حکومت به طور علنی با مظاهر دین و روحانیت مبارزه کرد و آنها را به حاشیه راند. گسترش برخی صنایع و کارخانه‌ها و پیشرفت اقتصاد غربی و وابسته در کشور به همراه ظهور گسترده تجدد و مدرنیته در کشور از یک‌سو و به حاشیه رفتن دین از سوی دیگر باعث شد که بر ادراک تقابل مدرنیته و فناوری‌های جدید با دین دامن زده شود و یک‌بار دیگر از نظر تاریخی تأیید شود. اگرچه ظهور برخی فناوری‌های جدید الزاماً متضمن مبارزه با دین نیست، اما با وجود شرایط زمینه‌ای ذکر شده، عملاً متقارن شدن این دو واقعه، مفهوم فناوری‌های نوظهور را با تجدد و نهایتاً سکولاریسم همراه ساخت و مسئله فناوری‌های نوظهور را با مفهوم سکولاریزه شدن ساخت‌دهی^۲ نمود؛ این هراس تا زمان حاضر و مواضع تهدید محور نسبت به فناوری‌های جدید نیز ادامه یافته است.

آمرانه و بالا به پایین بودن روند نوسازی در کشور از دیگر اشتراکاتی است که هم در دوران قاجاریه و هم در دوران پهلوی به واسطه حکومت دیکتاتورمآبانه سنتی خود شاهد هستیم. در واقع آنها در شیوه حکمرانی خود به صورت کاملاً سنتی و دستوری عمل کرده و اقشار مهمی همچون روحانیت و بعضاً جریان روشنفکری را با خود همراه نکرده و در نهایت نتوانستند پشتوانه اجتماعی لازم برای تثبیت فرایند تجدد را در ایران حفظ نمایند. انقلاب مشروطه نشان داد که حکومت‌ها می‌توانند با استفاده از ظرفیت جریان دینی و روشنفکری بزرگ‌ترین اتفاقاتی که ظاهر اصلاحات و نوسازی را نیز دارد، رقم بزنند. به‌طور خلاصه اگرچه حکومت پهلوی غرب را قبله آمال خود می‌دید و به دنبال ایجاد جامعه‌ای شبه غربی بود، اما نتوانست این دغدغه خود را عمومی‌سازی^۳ نماید و بازیگران فعال جامعه را با خود همراه نماید.

رویکرد تمایل به غرب و غرب‌گرایی در حکومت‌های پیشین موجب ایجاد شکاف بین طبقه متدینین و روشنفکران متمایل به غرب گردید؛ به نحوی که متدینین دچار نوعی بدبینی شدند و هر دستاوردی از غرب را به عنوان دین‌ستیزی یا مقابله با دین تلقی می‌کردند و از آن گریزان بودند. به عنوان مثال مخالفت با مظاهر تمدن جدید در مواردی همچون بلندگو، ویدئو و قالب شعری نیمایی نشان از شکل‌گیری نگاهی بدبینانه و منفی به توسعه فناوری ناشی از سکولاریسم و ضد دین جلوه دادن فناوری در جریان دینی دارد.

حسن‌پور و همکاران در پژوهشی با بررسی نوسازی در دوران پهلوی، سه مؤلفه را برای عدم موفقیت نوسازی در ایران برشمرده‌اند: شرایط و زمینه‌های اجتماعی مهیا باشد، این فرایند به صورت اصیل، از پایین و درون‌زا اتفاق بیفتد و توسعه سیاسی در کشور رخ داده باشد (حسن‌پور؛ حسن‌پور و کافی، ۱۳۹۷، ص. ۷۵). علاوه بر این مؤلفه‌ها، با توجه به بررسی دوران قاجاریه و پهلوی به صورت تطبیقی، مؤلفه‌های مشترک دیگری نیز یافت می‌شود که در این پژوهش به آن رسیده‌ایم. این مؤلفه‌ها در جدول زیر بیان گردیده است:

جدول شماره (۶): مؤلفه‌های مشترک در مورد کاوی‌های قاجار و پهلوی

مؤلفه	حکومت قاجار	حکومت پهلوی
خط‌مشی‌های حاکمیت در زمینه توسعه فناوری‌های نو ظهور	شبهه حکمرانی	آمرانه
	جهت‌گیری سیاسی (توسعه سیاسی)	دیکتاتوری سنتی
	نگاه به توسعه	شبهات به غرب (توسعه شتاب‌زده)
	نوع مواجهه با دین (ساخت‌دهی به مسئله تجدد و فناوری‌های جدید)	ظاهراً دین‌گرا اما در مسیر سکولاریسم
	جریان روشنفکری	غرب‌گرایی (تمایل به تجدد)
	جریان روحانیت (پایگاه اجتماعی)	سنت‌گرایی (مخالفت با حکومت)

حکومت پهلوی	حکومت قاجار	مؤلفه	
برونزا	برونزا	درونزا یا برونزا بودن تجدد (پشتوانه اجتماعی)	
هرج و مرج و احساس نیاز به تغییرات	احساس عقب‌ماندگی در برابر پیشرفت‌های کشورهای خارجی و هرج و مرج	شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور	شرایط اجتماعی و اقتصادی
عدم توجه	عدم توجه	توجه حکومت به بافت هویتی و فرهنگی	

(طراحی توسط نویسندگان)

۷. مطالعه موردی: سینما و تلویزیون

سینما و تلویزیون از جمله آن فناوری‌های نوظهوری‌اند که ابتدا با مخالفت‌هایی روبه‌رو گردیده و با صورت مسئله‌ای سکولار و ضد دین برای مردم صورت‌دهی شده‌اند. اسناد به‌دست‌آمده بیانگر آن است که تلویزیون تأسیس شده توسط بهاییان برای کمرنگ کردن و از بین بردن عقاید مذهبی و ترویج هر چه بیشتر فرهنگ غربی بوده است. افتتاح تلویزیون و پخش برنامه‌های سرگرم‌کننده مختلف، تبلیغ کالاهای بیگانه مصرفی و برنامه‌های نازل فرهنگی، ترویج بی‌بندوباری و برهنگی، نقد سنت‌های مذهبی و دینی، به حاشیه راندن اسلام و توجه صرف به عناصر باستانی و تجدد، ایدئولوژی غرب‌گرا و وابسته رژیم پهلوی و... که اغلب ذهن ایرانیان را نسبت به ارزش‌های خود متزلزل می‌ساخت، منجر به بحران‌ها و گسست‌های اجتماعی وسیعی در ایران گردید و زمینه را برای غربی‌سازی شیوه زندگی مردم فراهم ساخت. روند ارزش‌زدایی در تلویزیون آن‌چنان شدت گرفت و با سرعت پیش رفت که با برنامه‌هایی همچون پخش جشن‌های هنر شیراز حتی صدای غربی‌ها را در شتاب‌زده بودن آن درآورد و حتی برخی آن را عامل سقوط پهلوی نیز می‌دانند (منیری، ۱۳۹۶ و مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۹۸). علت اصلی مخالفت مردم، مذهب‌یون و به ویژه روحانیون هدف گرفتن اعتقادات و ضربه‌پذیری فرهنگ دینی از این‌گونه امور بوده است (وزارت اطلاعات، ۱۳۸۱، صص. ۹-۸).

سینما نیز در این دوران وظیفه از بین بردن آداب و رسوم و سنت‌ها و ترویج فرهنگ غربی که هیچ‌گونه تقارنی با زندگی سنتی و فرهنگ ملی ایرانی نداشت را بر

عهده گرفته بود. ورود دیگر فناوری‌هایی همچون ویدئو نیز بیانگر آن است که توسعه شتاب‌زده این فناوری‌های نوظهور، به تقلید از غرب و در جامعه‌ای که بافت فرهنگی سنتی داشته، معمولاً با موانعی همراه بوده و البته آثار و عوارض ناگواری نیز پدید آورده است (مصطفوی، ۱۳۷۷، صص. ۶۶-۶۵). تاریخ سینمای ایران نیز بیانگر آن است که ظهور فناوری سینما در ایران هم‌زمان با تحولات سیاسی، اجتماعی، فکری در کشور بوده که به ناچار با گسترش فناوری مدرن و نفوذ مؤلفه‌های جدید غربی همراه بوده است (علوی‌پور، ۱۳۹۷، ص. ۱۱۶).

ظهور این فناوری که در اواخر دوران استبداد قاجاریه و با کمک‌های مظفرالدین شاه انجام شد، خیلی زود دستخوش مجادله‌های اجتماعی و سیاسی مختلف گردید (مصطفوی، ۱۳۷۷، ص. ۴۹). در برخی مواضع مذهب‌پویان آن را عامل فساد مزاج و خلاف شرع مقدس می‌دانسته و برخی نیز آن را عامل فسادهای فرهنگی و اخلاقی (علوی‌پور، ۱۳۹۷، صص. ۱۲۱-۱۱۶) و عاظم و روحانیون در دوره پهلوی «در سخنرانی‌های خود، مردم را نسبت به رادیو - تلویزیون ملی ایران بدبین» کرده «و این دو را عامل گمراهی و بدبختی مردم» معرفی می‌کردند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۹، ص. ۱۰). نتیجه اقبال مردم به رادیو و تلویزیون ضد دینی پهلوی نیز این‌گونه شده بود که: افکار مردم کوچه و بازار قم، موافق آیات و مراجع دینی بود. به این معنا که مستند به کلام ایشان، نسبت به رادیو و یا روزنامه‌ها چندان اعتمادی نداشتند (نک: حسینی‌هرندی، ۱۳۹۷). بنابراین عوام سنتی نیز روی خوشی نسبت به آن نشان ندادند.

چنانچه در روند تاریخی ظهور رادیو و تلویزیون نیز مشاهده کردیم، ظهور فناوری‌های جدید در چهارچوب رویکرد غرب‌گرایی و به حاشیه راندن دین، باعث شده است که نوعی هراس و بیگانگی با فناوری‌های نوظهور از طرف نهادهای دینی و عامه مردم شکل بگیرد که عواملی همچون شتاب‌زده بودن، استبدادی و آمرانه بودن، مغایر فرهنگ و هویت ایرانی و اسلامی بودن و دیگر مؤلفه‌های ذکرشده نیز در آن اثرگذاری جدی داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

روند ناموفق توسعه و فراگیری فناوری‌های جدید و در بعضی موارد مقاومت اجتماعی در برابر نهادینه شدن فناوری‌ها از جمله مسائلی است که در طول تاریخ جوامع مختلف به خصوص ایران با آن مواجه شده‌اند. در این پژوهش به بررسی تاریخی دوران قاجاریه و پهلوی پرداخته شده و به صورت تطبیقی اشتراکاتی که در نوع مواجهه ایرانیان با فناوری‌های نوظهور وجود داشته، مورد بررسی قرار گرفته است. بدیهی است که تجربه مواجهه ایرانیان و دولتمردان در دوران جمهوری اسلامی نیز برای این موضوع بسیار حائز اهمیت است؛ اما با توجه به محدودیت‌های تحقیق پژوهش حاضر به عنوان مقدمه‌ای لازم برای پژوهش‌های بعدی حول این موضوع در دوران تاریخی انقلاب اسلامی به حساب می‌آید.

با بررسی‌های تاریخی به دنبال این موضوع بوده‌ایم که تجربه‌های حکومت‌های قاجاریه و پهلوی چه درس‌آموزی‌هایی برای خط‌مشی‌گذاری در زمان حال خواهد داشت و با بررسی ادبیات درس‌آموزی خط‌مشی تلاش برای یافتن راهنماهای عملی، دید گسترده‌تر در خط‌مشی‌گذاری و الهام گرفتن از وقایع تاریخی نموده‌ایم. بر این اساس می‌توان گفت که دولت‌ها برای خط‌مشی‌گذاری در زمینه فناوری‌های نوظهور باید به دو گونه از مؤلفه‌ها توجه نموده و مواضع مناسب را اتخاذ نمایند: مؤلفه‌های خط‌مشی حاکمیت در زمینه توسعه فناوری‌های نوظهور و شرایط زمینه‌ای جامعه.

با توجه به تجربه‌های تاریخی، باید گفت که خط‌مشی‌های آمرانه در زمینه توسعه فناوری‌های نوظهور معمولاً به شکست انجامیده است. لذا درون‌زا بودن و دموکراتیزه کردن خط‌مشی‌ها از الزاماتی است که خط‌مشی‌گذاران در مواجهه با فناوری‌های نوظهور باید به آنها توجه نمایند. استبدادی بودن و نادیده گرفتن بازیگران فعال جامعه از دیگر آفت‌هایی است که در هر دو تجربه تاریخی (البته با شدت و ضعف) با آن روبه‌رو هستیم. در نظر گرفتن جریان روشنفکری و دینی به عنوان بازیگران کلیدی در ایجاد پذیرش عمومی، توسط دولت‌ها دیگر درس‌آموزی است که از این دو را نمی‌توان داشت. تلاش برای ساخت‌دهی به مسئله فناوری‌های نوظهور به نحوی که ساختار سکولار و ضد‌دینی به خود نگیرد (البته با اطمینان از به حاشیه نراندن دین) و به تبع موضع‌گیری مراجع دینی و مذهبی و ناظران حکومت اسلامی را در پی نداشته باشد از

راهنمایی‌های عملی لازم برای موفقیت توسعه فناوری‌های نوظهور در جامعه است. توسعه بی‌چون‌وچرا در زمان پهلوی و تحیر در برابر فناوری‌های غرب در زمان قاجاریه نشان داده است که نگاه شتاب‌زده به توسعه در دوران قاجاریه و پهلوی و شروع به نوسازی بدون در نظر گرفتن زمینه‌ها و الزامات آن، دیر یا زود شکست خواهد خورد و تبعات فرهنگی و اجتماعی بسیاری را برجای خواهد گذاشت. در نظر گرفتن زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی برای انتخاب زمان صحیح و چگونگی توسعه فناوری‌ها درس‌آموزی دیگری است که نظام خط‌مشی می‌تواند از تجربه‌های تاریخی دوران قاجاریه و پهلوی داشته باشد. تغییر ناگهانی در بافت هویتی و فرهنگی بدون شک مقاومت جامعه را در پی خواهد داشت و فرایند توسعه را با شکست روبه‌رو خواهد کرد. به علاوه، دولت‌ها باید توجه نمایند که در شرایط اقتصادی و اجتماعی نامناسب جامعه معمولاً به دنبال راه برون‌رفت برای رهایی از وضع موجود می‌گردد؛ بنابراین احتمال توسعه فناوری‌های جدید نیز بیشتر خواهد بود؛ البته همان‌قدر که احتمال توسعه این فناوری‌ها بیشتر است، شکست آنها نیز موجب شکل‌گیری انگاره‌های منفی نسبت به فناوری‌های جدید خواهد شد.

شکل شماره (۵): مدل نهایی چگونگی مواجهه ایرانیان با خط‌مشی‌های توسعه فناوری‌های نوظهور



(طراحی توسط نویسندگان)

یادداشت‌ها

1. Rose
2. Problem structring
3. Democratize

کتابنامه

- اسمیت، کوین تی و لاریمر، کریستوفر دابلو (۱۳۹۵). *درآمدی بر نظریه خط‌مشی عمومی (تقابل نظری عقلانیت‌گراها و فرااثبات‌گراها)*، (حسن دانایی فرد. مترجم). تهران: انتشارات صفار.
- اکبری معلم، علی (۱۳۸۱). «واکنش روشنفکران ایرانی در مواجهه با فرهنگ غربی»، *رواق اندیشه*. ۹(۳). به آدرس: <http://ensani.ir/fa/article/47889> / واکنش روشنفکران ایرانی در مواجهه با فرهنگ غربی.
- الوانی، سیدمهدی (۱۳۹۲). *تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- امیری، علی نقی؛ دانایی فرد، حسن؛ زارعی متین، حسن و امامی، سیدمجتبی (۱۳۹۰). «فهم جوهره خط‌مشی‌های عمومی: واکاوی نظری ماهیت تقلیدپذیری خط‌مشی‌گذاران ملی»، *اندیشه مدیریت راهبردی*. ۹(۵)، ۴۴-۵۰.
- بذرافکن، مجید (۱۳۸۷). *نقش روشنفکران در تحولات سیاسی و اجتماعی دوره ناصرالدین‌شاه*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده)، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تهران، ایران.
- برجعلی‌زاده، محمد؛ جعفری، علی و کردی، ناهید (۱۳۹۹). «نقش فناوری‌های نوین ارتباطی در جابجایی قدرت در نظام بین‌الملل»، *نشریه علمی دانش سیاسی*. ۱۶(۲)، ۳۸۶-۳۶۱.
- برزگر، شبنم (۱۳۸۰). «اندیشه‌های توسعه و ترقی اقتصادی در عصر ناصرالدین‌شاه»، *فرهنگ اندیشه*. ۱(۱)، ۲۱۷-۲۴۲.
- بهنام، جمشید (۱۳۷۵). *ایرانیان و اندیشه تجدد*. تهران: انتشارات فروزان.
- بهنام، جمشید و جانبگلو، رامین (۱۳۸۲). *تمدن و تجدد*. تهران: نشر مرکز.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۸۳). *ریشه‌های تجدد*. تهران: نشر قطره.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۸). «دیپلماسی انرژی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، *نشریه علمی دانش سیاسی*. ۵(۲)، ۴۰-۵۰.
- جباری، محمدحسن و موثقی، سیداحمد (۱۳۸۷). «بررسی تطبیقی نوسازی و اصلاحات در ژاپن و ایران در دوره معاصر»، *سیاست*. ۳۸(۲)، ۲۹۵-۲۸۱.

- جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۴). *مؤلفه‌های تجدد در ایران*، (به اهتمام موسی نجفی). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حامدی‌نژاد، آرمین و مسجدی‌زاده، نیلوفر (۱۳۹۶). «بررسی استراتژی‌های مبارزه و مقاومت فرهنگی گروه‌های اجتماعی فرودست در برابر سیاست‌های فرهنگی اقتدارگرایانه حکومت پهلوی: با تأکید بر مفهوم هراس اخلاقی»، *مطالعات جامعه‌شناختی*. ۵۰(۲۴)، ۱۴۷-۱۲۵.
- حسن‌پور، آرش؛ حسن‌پور، وحید و کافی، مجید (۱۳۹۷). «تحلیل تطبیقی - تاریخی تجربه شکست پروژه نوسازی در ایران دوره پهلوی اول (مقایسه با ترکیه در دوره آتاترک با کاربست فن جبر بولی)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*. ۳۰(۳)، ۹۰-۶۳.
- حسین بر، محمدعثمان و حسنی‌فر، عبدالرسول (۱۳۹۶). «بررسی نقش سیاسی روحانیت در دوره رضاشاه»، *علوم اجتماعی (علامه طباطبایی)*. ۷۸(۲۶)، ۳۷-۷۶.
- حق‌شناس، علی‌محمد؛ سامعی، حسین و انتخابی، نرگس (۱۳۹۰). *هزاره انگلیسی - فارسی*. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- حکمی، نسرين (۱۳۷۰). «نقش روشنفکران در نوسازی ژاپن»، *فرهنگ*. ۵(۹). به آدرس: <http://ensani.ir/fa/article/266130> نقش روشنفکران در نوسازی ژاپن.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۴). *جریان‌شناسی فکری ایران معاصر*. تهران: دفتر نشر معارف.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا (۴ج)*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رحمتی، رضا (۱۳۹۸). «مطالعه تطبیقی تأثیر جهانی شدن بر شهروندان ایرانی و سوئدی»، *نشریه علمی دانش سیاسی*. ۱۵(۱)، ۱۲۴-۱۰۳.
- رشید کرشان، روح‌الله و صباغ، صمد (۱۳۹۷). «جامعه‌شناسی تحولات تجدد در ایران»، *مطالعات جامعه‌شناسی*. ۱۱(۳۹)، ۲۵-۷.
- رهبری، مهدی (۱۳۸۷). «روحانیت، انقلاب مشروطه و ستیز میان سنت و تجدد»، *دانش سیاسی*. ۴(۷)، ۱۲۲-۹۵.
- رهبری، مهدی (۱۳۸۸). «انقلاب مشروطه، تجدد و زایش نوگرایی دینی در ایران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*. ۱۷۵(۱)، ۱۳۴-۱۰۵.
- سجادپور، محمدکاظم و اجتهادی، سعیده (۱۳۸۹). «نگرش امنیتی غرب و تهدیدات بین‌المللی پس از جنگ سرد: مطالعه موردی پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران»، *نشریه علمی دانش سیاسی*. ۶(۱)، ۵۹-۲۵.
- سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۳). *چالش‌های دین و مدرنیته: مباحثی جامعه‌شناختی در دین‌داری و سکولار شدن*. تهران: طرح نو.

- سلطانی نژاد، احمد؛ جمشیدی، محمد حسین و پوردست، زهرا (۱۳۹۵). «دگرگونی مفهوم قدرت در پرتو فناوری نوین اطلاعاتی و ارتباطی»، نشریه علمی دانش سیاسی. ۱۲(۱)، ۷۳-۹۸.
- سهرابی، بابک؛ خلیلی جعفرآباد، احمد و رودی، امیر (۱۳۹۶). «کشف ویژگی‌های حوزه‌های تحقیقاتی نوظهور با استفاده از روش فراترکیب»، سیاست علم و فناوری. ۹(۳۶)، ۳۰-۱۵.
- سوری لکی، محمدعلی و سوری، ایرج (۱۳۹۴). «روند نوسازی، تعارضات فرهنگی - مذهبی و فروپاشی حکومت پهلوی دوم»، تاریخ‌نامه انقلاب (ژرفا پژوه سابق). ۳(۶۷)، ۷۰-۴۹.
- شاه‌آبادی، محمدمهدی؛ پور عزت، علی‌اصغر؛ دانایی فرد، حسن و قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۹۳). «تحلیلی بر رویکرد تاریخی به توسعه سیستم خط‌مشی‌گذاری عمومی؛ مبانی نظری و اسلوب اجرا»، روش‌شناسی علوم انسانی. ۲۰(۸۱)، ۷۳-۱۰۹.
- عزیزپور، فرهاد (۱۳۹۵). «مدرنیته و تحول کالبدی - فضای سکونتگاه‌های روستایی ایران»، مسکن و محیط روستا. ۳۵(۱۵۵)، ۳۷-۵۰.
- علوی‌پور، سیدمحسن (۱۳۹۷). «چالش‌های اجتماعی - سیاسی ظهور سینما در ایران»، تحقیقات تاریخ اجتماعی. ۸(۱۵)، ۱۱۳-۱۳۱.
- فاضلی، محمد و محمودیان، معصومه (۱۳۹۵). «تحول نقش دولت در صنعتی شدن: بررسی تطبیقی - تاریخی ایران و مالزی»، جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه. ۵(۷)، ۱۱۵-۱۴۵.
- فوزی توپسرکانی، یحیی (۱۳۸۰). «مذهب و مدرنیزاسیون در ایران». تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فیروزآبادی، سیدابوالحسن و احمدآبادی آزادی، جواد (۱۳۹۹). «تحلیل پیشینه حکمرانی فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران»، نشریه علمی دانش سیاسی. ۱۶(۲)، ۵۶۳-۵۹۸.
- کچویان، حسین (۱۳۸۷). «تطورات گفتمان‌های هویتی ایران: ایرانی در کشاکش با تجدد و مابعد تجدد». تهران: نشر نی.
- کسری، محمدسالار (۱۳۸۴). «چالش سنت و مدرنیته در ایران از مشروطه تا ۱۳۲۰». تهران: نشر مرکز.
- گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۶). «تجدد ناتمام روشنفکران در ایران». تهران: نشر اختران.
- محمدی، محمدعلی (۱۳۸۹). «چالش‌های اجتماعی - فرهنگی سنت و مدرنیته در ایران». تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۷۶). «انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک». تهران: انتشارات سروش.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۸۱). «جشن هنر شیراز به روایت اسناد ساواک». تهران: انتشارات مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- مریجی، شمس‌الله (۱۳۸۴). «پیش‌قراولان سکولاریسم در ایران»، علوم سیاسی. ۸(۳۲)، ۲۴۵-۲۶۰.

- مصطفوی، پروین (۱۳۷۷). «روشنفکری و روحانیت در چالش با پدیده غرب‌زدگی»، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*. ۲(۷)، ۷۰-۴۹.
- موثقی، سید احمد (۱۳۸۴). «نوسازی و اصلاحات در ایران معاصر»، *دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)*. ۲۷(۲۷)، ۲۶۰-۲۲۵.
- میرسپاسی، علی (۱۳۹۳). *تأملی در مدرنیته ایرانی: بحشی درباره گفتمان‌های روشنفکری و سیاست مدرنیزاسیون در ایران*، (جلال توکلیان، مترجم). تهران: نشر ثالث.
- میلانی، عباس (۱۳۸۲). *تجدد و تجدیدستیزی در ایران*. تهران: اختران.
- ناظمی، مسلم (۱۳۹۶). «بررسی پدیده فن‌هراسی و دلالت‌های سیاستی آن در ایران»، *رهیافت*. ۶۸(۲۷)، ۹۵-۷۵.
- نظری‌زاده، فرهاد و میرشاه‌ولایتی، فرزانه (۱۳۸۷). «فناوری‌های نوظهور، عرصه‌ای بکر برای جهش علمی و اقتصادی (هم‌گرایی فناوری‌های نانو، زیستی، اطلاعات و علوم شناختی و تأثیرات آنها بر آینده)»، *نگرش راهبردی*. ۹(۹۷ و ۹۸)، ۲۶-۱.
- هاشمی زهی، نوروز (۱۳۸۶). *شرایط اجتماعی و پارادایم‌های روشنفکری در آستانه دو انقلاب ایران: انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی*. تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- هزاوه‌ای، سیدمرتضی (۱۳۸۵). «تأثیرپذیری سیاست‌های توسعه در ایران از الگوهای مسلط غربی»، *دانش سیاسی*. ۲(۴)، ۲۰۰-۱۶۵.
- وحدت، فرزین (۱۳۸۲). *رویارویی فکری ایران با مدرنیته*، (مهدی حقیقت‌خواه، مترجم). تهران: ققنوس.

- Grattan, Robert (2008). "Crafting management history", *Journal of Management History*. 14(2), 174-183.
- Hornby, Albert Sydney (2005). *Oxford advanced learner's dictionary of current English (7th ed.)*. Oxford: Oxford University Press.
- Pierson, Paul (2005). "The Study of Policy Development", *Journal of Policy History*. 17(1), 34-51.
- Reuss, Martin (1988). "The Myth & Reality of Policy History", *The Public Historian*. 10(1), 41-49.
- Rotolo, Daniele; Hicks, Diana & Martin, Ben (2015). "What Is an Emerging Technology?", *Research Policy*. 44, 1827-1843.

منابع اینترنتی

حسینی‌هرندی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۷). «نقش‌آفرینی رسانه رادیو در شکل‌گیری نهضت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)». به آدرس:

<http://pajuhesh.irc.ir/product/magazine/show.text/id/2798/indexId/258055>

مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۹۸). «گذری بر انقلاب اسلامی در استان کرمان به روایت اسناد

ساواک - ۲»، به آدرس: https://historydocuments.ir/?page=post&id=2719#_ftn2

منیری، سیدهاشم (۱۳۹۶). «چهار کارکرد جعبه جادویی در ایران عصر پهلوی»، به آدرس:

<http://www.iichs.ir/s/4989> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۹/۰۱/۰۷)

منیری، سیدهاشم (۱۳۹۷). «نفوذ بهایبان در تلویزیون؛ از بازنمایی مدرنیته تا تبلیغ

سکولاریسم»، به آدرس: <http://www.iichs.ir/s/6096> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۹/۰۱/۰۷)





پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی